

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چوکشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

Scientific	علمی
------------	------

داکتر عبدالحنان روستایی
المان، ۵ مارچ ۲۰۰۸

سرنوشت زار پروژه زراعت و آبیاری نیمروز

(بخش سوم)

امکانات پیشرفت و انکشاف اقتصادی نیمروز

پیشرفت و انکشاف اقتصادی نیمروز در ساحات مختلف اقتصادی در صورتی ممکن است که هر کدام این بخش ها در ارتباط و هماهنگی با یکدیگر مورد مذاقه و ملاحظه قرار گیرند. در این بخش برخی از این امکانات به صورت مختصر قرار زیر یادآوری می گردد :

۱ - احیای مجدد نهر لشکری برای آبیاری و تهیه آب نوشیدنی :

احیای مجدد نهر لشکری دو هدف را همزمان تعقیب میکند :

- ۱ - کوشش به عمل می آید که ۲۰۰۰۰ هکتار اراضی جدید تحت یک سیستم آبیاری سالم آورده شود.
 - ۲ - تقلا می شود که جلو فرسایشهای خاک را گرفته تا زمینهای قابل استفاده زیر پوشش ریگ نشوند. این اقدامات از طریق انکشاف زراعت و آبیاری صورت گرفته می توانند.
- آبیاری اراضی جدید در نیمروز نظر به محاسباتی که در این پروژه به عمل آمده در مقایسه با نرخ بین المللی قیمت تر تمام می شود. دلیل آن این است که مصارف تنها شامل تحت استفاده قرار دادن زمینها نیست، بلکه مخارج وقایه خاکهای زراعتی از فرسایش و جلوگیری از توسعه صحرا نیز شامل آن میباشد که البته این مسأله قابل فهم و سنجش است.

هدف نهائی از تطبیق پروژه این است که ساختارهای اجتماعی در نیمروز تقویه گردد و اقتصاد جامعه رشد نماید تا زمینه معیشت و زندگانی بهتر برای مردم میسر گردد. اگر امکانات معیشت برای مردم آماده نگردد، آنها از ولایت نیمروز مهاجرت می کنند و یا امکانات تأمین زندگی خود را در کارهای غیر قانونی و غیر مشروع جست و جو کرده به مسایل قاچاق مواد مخدر و غیره مصروف خواهند شد، تا مصارف زندگی خود را به دست آرند. به این ترتیب ولایت نیمروز محل تلاقی جنایت کاران و قاچاقبران و تشکلات ایشان خواهد گردید. در نتیجه اگر تأمین اوامر دولت مرکزی افغانستان در ساحة نیمروز ناممکن نگردد، لاقابل مقابله با قاچاق و عدم امنیت، فساد اداری و اخلاقی مصارف زیادی را ایجاب خواهد کرد. چنین منطقه که در آن قانونیت و امنیت حکمفرما نباشد، برای جامعه بین المللی قابل قبول نبوده و انبوهی از مشکلات را ببار می آورد. چون مافیا و باند های جنائی قاچاقبران تنها به ولایت نیمروز محدود نمانده به کشورهای همسایه، به خصوص ایران سرایت می کند. بنا بر آن برای دولت ایران هم درد سر ایجاد کرده و بیشتر خواهد نمود. نظر به دلایل بالا تطبیق بخشهای ذکر شده پروژه، منازعات اجتماعی و منطقه بی را به حد اقل پائین می آورد.

یادداشت نگارنده : این امکان میسر است که انتقال آب از هلمند تا زرنج در لوله های بزرگ صورت گیرد تا از یک طرف از ضایعات آب (چه از طریق نفوذ در طبقات پایین زمین و چه از طریق وزش باد و تشعشع آفتاب) جلوگیری شود، علاوه بر این ضرورت لای رویی نهر که کار پر مصرف و دوامدار است رفع می گردد. از جانب دیگر انتقال آب از طریق نهر لشکری زمینه پرورش نباتات را در مسیر خود آماده ساخته به اثر نفوذ آب از بستر کانال آبهای زیر زمینی تقویت شده و از شور شدن جلوگیری شده می تواند. همچنان در ایام زمستان که زراعت صورت نمیگیرد، ممکن است بخش بزرگ آب نهر هدفمندانه برای تقویت آبهای زیر زمینی در اعماق زمین هدایت شود. این دو انتخاب یعنی انتقال آب توسط نهر یا توسط لوله از نظر اقتصادی، کاربرد، دوام، توسعه و غیره تا حال تحقیق نشده و هر کدام دارای نکات مثبت و منفی می باشند. بنا برآن باید قبل از تطبیق پروژه این مطالعات صورت گرفته، هر دو طرح به صورت مقایسوی و با در نظر داشت منافع دوامدار ملی ارزیابی گردند. در نتیجه هر انتخابی که بیشتر به خیر مردم ما باشد، روی دست گرفته شود.

۱,۱ - ساختار بخش اول پروژه :

بخش اول پروژه قسمت کلیدی انکشاف اقتصادی ولایت نیمروز را احتوا می کند که در جدول ذیل تفصیل داده شده است. در مطالعات علمی و تخنیکی که به صورت مختصر صورت گرفته، مقدر نبود که همه خدمات مورد ضرورت پروژه و سامان آلات تخنیکی به طور مفصل و دقیق سنجش شود. از اینرو از یک عده سامان آلات ساختمانی بدون ارائه قیمت نام برده شده و مراحل کار بخش اول پروژه در جدول ۱ درج گردیده است.

شماره	مرحله
۱	طرح پلان/ آمادگی
۲	تفتیش و کنترل کار بازسازی
۳	تنظیم کردن واحد های کار
۴	راه دو طرفه کانال
۵	انتقال ریگ و صیانت کانال
۶	دستگاه تنظیم کننده آب
۷	تضمینات
۸	تقسیم آب
۹	پمپ استیشن
۱۰	تأمین انرژی
۱۱	حفر چاه ها
۱۲	حفظ و مراقبت

جدول ۱ : مراحل کار بخش اول پروژه.

طرح پلان و آمادگی پروژه، تمام کار های فنی، اداری و پلان ریزی را در بر می گیرد، که بدین ترتیب نیاز به دو دفتر، یکی در کابل و دیگری در نیمروز (دفتر هم آهنگی) دارد.

تمویل کنندگان پروژه بایست برای مسایل کنترل و مراقبت ساختمانی پروژه یک متخصص را به عنوان مشاور مسؤول تعیین نمایند. کارهای ساختمانی باید از طریق مؤسسات محلی و یا منطقه یی اجرا گردد. از همان آغاز کار باید کوشش به عمل آید که مقدار ریزش ریگ در کانال به حد اقل تقلیل یابد. در مرحله چهارم ساختمانی پروژه نیاز به هموار نمودن بخش غربی کانال نیست، چون در آنجا خاک های بیرون کشیده شده فعلاً سدی در مقابل هجوم ریگ می باشد، که این نقش بایست با نشانندن بته ها و نباتات مؤثرتر گردد.

در جریان کار احیای مجدد کانال و تا زمانی که از ریزش ریگ در کانال با غرس اشجار جلوگیری به عمل می آید و با استفاده از زمینهای زراعتی که فرسایشهای بادی را سد می شود، مصرف زیادی برای حفظ کانال رونما می گردد. این دوره مدت شش سال را در بر خواهد گرفت. در طول این مدت تپه های ریگی به داخل کانال سرازیر خواهند شد و از جوانب مختلف باد ریگ را به داخل کانال خواهد آورد. بنابراین برای بیرون کشیدن این ریگها از داخل کانال که به صورت متوالی به کانال می ریزند، ضرورت به ماشینهای پاکساز است. ازین لحاظ ما پیشنهاد می نماییم که ماشین آلات ساختمانی مثل بگر، رادلدر، موترهای ثقیل بار بری تریلر دار و غیره به اختیار اداره ولایت گذاشته شود.

به خاطر ضرورت عاجل آب نوشیدنی برای اهالی در متن برنامه احیای مجدد نهر لشکری حفر ۵۰ حلقه چاه به عمق وسطی ۲۰ متر از سطح زمین در نظر گرفته شده است. حفر چاه های عمیق به خاطر حل مشکلات لوژستیکی در برنامه احیای مجدد کانال مدغم گردیده و کار تحقیقاتی درین مورد قبلاً پلان ریزی شده است. حفر این چاه ها به طریقه "حفر خشک" به قطر ۶۰۰ ملی متر صورت می گیرد. نل ها به قطر ۳۰۰ ملی متر در چاه ها تمدید می گردند. همچنان فلتر ریگی بکار گرفته شده و با پمپ های دستی و یا برقی تجهیز می گردند. علاوه بر این سطح بیرونی چاه ها کانکریت گردیده و استحکام داده می شوند. از جمله ۲۵ حلقه چاه باید در نزدیکی های کانال حفر گردد. زیرا درین مناطق آب شیرین از کانال به زمین نفوذ کرده و از نمکی شدن آبهای زیر زمینی جلوگیری می کند. حفر این چاه ها از جمله ضروریات اساسی می باشد. زیرا در مواقع کم آبی باید از این چاه ها استفاده به عمل آید تا که اشجار و نباتات مورد ضرورت رشد کرده بتوانند. مهمتر از همه برای اهالی آب نوشیدنی از این چاه ها میسر خواهد گشت.

باقی چاه ها باید در مناطق مسکونی مردم که مقدار نمک آبهای زیر زمینی کم باشد، حفر گردد. برنامه حفر چاه ها باید به عنوان یک بخش جداگانه پروژه در نظر گرفته شود. معهدا باید توجه گردد که حفر این چاه ها در رابطه و هم آهنگی کارهای احیای مجدد نهر لشکری، صورت گیرد.

با احیای نهر لشکری برای هزاران دهقان زمینه مشغولیت فراهم گردیده و حدود صد نفر از اهالی منطقه در چوکات پروژه صاحب کار می شوند. همچنان برای دوصد نفر دیگر در رابطه با کار های ساختمانی پروژه مشغولیت به وجود می آید. به علاوه جا های مزید کار، برای رفع ضروریات ماموران و مستخدمان پروژه به وجود خواهد آمد.

۲,۱ - امکانات مقدماتی برای مقابله در برابر فرسایش خاک :

مراحل کار مقدماتی مقابله در برابر فرسایش خاک در جدول ۲ درج گردیده.

شماره	مرحله
۱	طرح پلان/ آمادگی
۲	تفتیش و کنترل کار باز سازی
۳	تنظیم کردن بناها برای واحدهای ساختمانی
۴	تنظیم کار دفع ورود ریگ
۵	مواظبت ساختار های ضد هجوم ریگ

جدول ۲ : مراحل کار مقابله در برابر فرسایش خاک

در بخش غربی ساحات کانال به استقامت ۳ خط باید حصار های پلاستیکی برای جلوگیری از حرکت ریگ (به طول تقریباً ۱۵۰ کیلومتر) نصب شود، که این دیوارها متواتر (در هفته ۲ تا ۳ مرتبه) نظر به موقعیت آنها عمودی و افقی تغییر مکان داده شوند.

این حصارها برای توقف حرکت ریگ از پلاستیک ساخته شده و دارای ۴۰ فیصد منفذ می باشند که در مقابل عوارض جوی مقاومت دارند. ارتفاع این حصارها ۶۰ سانتی متر و بر پایه های لوله مانند فولادی به قطر ۱۰ ملی متر نصب می شوند. آنها انرژی باد را در سطح زمین در هم شکسته و باعث توقف ریگهای متحرک می شوند. از این نوع حصارها برای دفع حرکت ریگ از چندین دهه بدین طرف به خاطر حفظ سواحل بحر در المان استفاده میشود (طور مثال در جزیره زویلت). بعد از مرحله رشد اشجار برای محافظت کانال، می توان حصارها را به تدریج دور کرد و از آنها برای محافظت بخش ها و ساحات دیگر زراعتی مرحله به مرحله استفاده نمود. محل و زمان استفاده و دوران تغییر موقعیت دیوارهای پروژه مورد آزمایش قرار گرفته و نظر به ضرورت عیار می گردند. قیمت تهیه حصارها به ۲ یورو فی متر مربع تخمین زده شده و برای حصارهای یدکی مورد ضرورت ۳۰ فیصد قیمت محاسبه شده است.

۳,۱ - پروژه جنگلداری، باغداری/ تربیه و پرورش اشجار و بته ها :

مراحل کار مقدماتی جنگلداری و باغداری در جدول ۳ درج گردیده.

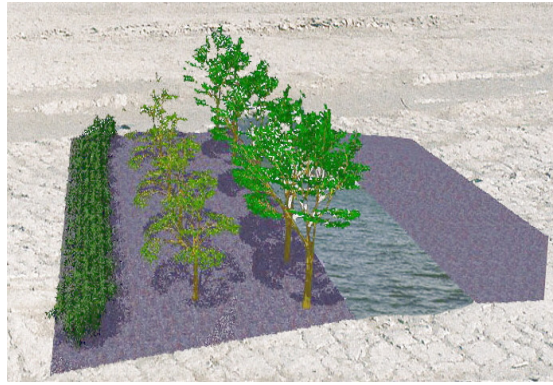
شماره	مرحله
۱	طرح پلان/ آمادگی
۲	تفتیش و کنترل
۳	تأسیس نهادهای جنگلداری و باغداری
۴	تولید اشجار برای محافظت کانال و دیگر ضروریات
۵	تولید نباتات زراعتی

جدول ۳: مراحل کار جنگلداری و باغداری

در دشتهای نیمروز در جاهایی که نبات روییده ریگ از حرکت باز می ماند و در جاهایی که نباتات وجود ندارد، خاکهای میده دانه را از قبل باد برده است (تصویر ۲). به تاسی از این آموزه طبیعی برای محافظت کانال در مقابل حرکت ریگ، نیاز به تقریباً ۵۰۰۰۰۰ اصله درخت می باشد که به طرف ساحل غربی کانال به امتداد سه خط، اشجار کوتاه قامت در آغاز، نیمه قامت در وسط و در انتها درختان بلند قامت بر خلاف جهت باد غرس می گردند. این طرح را آقای دپلوم انجنیر عارف ناطقی به مودل در آورده که بدینوسیله از ایشان تشکر میکنم (مودل ۱ و تصویر ۲).



تصویر ۳: نباتات از انتقال ریگ جلوگیری می کنند. دشت خاش، تابستان ۲۰۰۲ م



مودل ۱: صیانت نهر لشکری در برابر ریگ به وسیله بته ها و درختان. مودل از: عارف ناطقی

برای پرورش این تعداد درخت نیاز مبرم به تأسیس ۵ فارم بزرگ جنگلداری است. موقعیت این فارم ها بایست در نزدیکی کانال باشد و یکی پی دیگر همزمان با کار اعمار کانال که خود آب برای آبیاری آنها می دهد، تأسیس گردند. موقعیت این فارمها طوری انتخاب گردد که امکان رسیدگی و مراقبت اشجار اطراف کانال تا فاصله ۱۰ کیلو متری بدون زحمت اضافی ممکن باشد. بهترین شکل فارم جنگلداری همانا سیستم جنگلداری کوپراتیوی با ضمانت شخصی اعضای آن می باشد، طوری که یک مقدار از مصارف اولیه برای تهیه لوازم را می توان به عنوان قرضه بدون سود تأمین و به اشخاص انفرادی تهیه نمود. ارزش هر درخت همراه با مراقبت ۴ ساله می تواند ۴ یورو باشد. تعدادی از باغداران می توانند که اندازه کم مصارف خویش را از تولید و پرورش درختان غیر مثمر و اکثر آنها از درختان مثمر به دست آرند. مراحل انتقال از وابستگی به پروژه تا انفصال از آن، باید آهسته و به تدریج صورت گیرد.

۱، ۴ - نهالشنای در امتداد کانال برای جلوگیری از حرکت ریگ:

مراحل کار مقدماتی نهالشنای در جدول ۴ درج گردیده.

شماره	مرحله
۱	طرح پلان/ آمادگی
۲	تفتیش و کنترل
۳	آمادگی برای نهالشنای
۴	تهیه اشجار
۵	مراقبت اشجار

جدول ۴: مراحل کار نهالشنای

اگر در پهلوی اشجار بومی منطقه اشجار مناطقی با شرایط مشابه اقلیمی نیز مورد آزمایش قرار گیرد نتیجه خوبی بدست خواهد آمد. به طور مثال میتوان از خربوزه صحرایی که در دشتهای نامیبیا با شرایط و مشکلات مشابه اقلیمی با موفقیت کاشته می شوند و یا زنبق صحرایی هسپانیایی که برای تولیدات عطریات به کار میرود، یادآور شد. برای اینکه دفتر هماهنگی امکانات درآمد طویل المدت را از فروش حاصلات داشته باشد، غرس اشجار و بته های مثمر از ضروریات می باشد.

۵,۱ - تأسیس شرکت های جدید :

تمام کارهای پروژه نیاز به امور خدماتی در منطقه داشته که با کارهای اصلی خود پروژه کمتر رابطه دارد. به طور معمول چنین کارهای خدماتی از طرف کارمندی اجراء می گردد که در بخشهای بیرونی پروژه مشغول کار اند. کارهای خدماتی ضرورت به سرمایه گذاری اشخاص بیرونی دارد که کمکهای خوبی جهت ایجاد دستگاههای تولیدی بکار برده می شود. این کمکها و پشتیبانی ها به شکل کمکهای کوپراتیوی میان آمده می توانند. از بهر مثال سازمان زنان منطقه پلان مشخصی جهت تشکیل شرکت ها و سرمایه گذاری های کوچک در ساختار خود سازمان دارد که اگر تضمین آن صورت بگیرد و سرمایه گذاری مطمئن ایجاد گردد خدمات شایانی برای باشندگان، بویژه امور زنان انجام خواهد شد. سرمایه گذاری ابتدایی در شروع کار برای ایجاد شرکتها در حدود ۱۰۰۰۰ یورو تخمین زده می شود. این مبلغ مصارف اولیه ضروری تولیداتی را کفایت می کند، ولی برای مخارج پرسونل کافی نیست. با قراردادهای خدماتی وابسته به بخشهای پروژه چانس برای ایجاد شرکتهای نو تأسیس وجود دارد، تا بتوانند خارج از چوکات پروژه نیز اساس اقتصادی را در منطقه پی ریزی نمایند.

۲ - اعمار بند کمال خان بالای دریای هلمند :

کار این بند آبگردان در ولسوالی چهار برجک که در ۸۵ کیلومتری جنوب غرب شهر زرنج قرار دارد آغاز یافته بود (قبل از جنگ نیمه تمام ماند و بعد تخریب شد). در سال ۱۹۷۶ یک بررسی عمومی برای اعمار این بند و مخرج ها و ساختمان های دیگر آن از طرف شرکت امریکایی به نام ایکو و شرکت هندی به نام واپیکا و شرکت مشاور سوییسی به نام الکترووات صورت گرفت. این تحقیق که مدت شش ماه طول کشید، حاوی یک طرح پلان پروژه و اطلاعات و اسناد اعلان داوطلبی برای برآورد کنندگان بود. در مرحله دوم طرح ساختمان و اعلان خرید ماشین آلات و دستگاه های تکنیکی که همچنان مراقبت و تدابیر امنیتی را در بر داشت، تمام گردید. کار ساختمان پروژه در سال ۱۹۷۶ شروع و قرار بود که در سال ۱۹۸۳ به پایان برسد. نظر به قراردادی که بین وزارت آب و برق و شرکت واپیکا صورت گرفت، کار مراحل اول و دوم پروژه در ساحه عمل پیاده شده و به اتمام رسید. قرار بود که کار مرحله سوم پروژه در سال ۱۹۸۰ میلادی آغاز شود. ولی بعد از تغییرات اوضاع سیاسی افغانستان در سال ۱۹۷۸ تأمینات مالی پروژه از طرف امریکا کاهش یافت و در اخیر سال ۱۹۷۹ به کلی قطع گردید. به دلیل یک سلسله مشکلات ناشی از جنگ، شرکت سوییسی الکترووات نیز در سال ۱۹۷۹ افغانستان را ترک نمود که بدین ترتیب بقیه کار های پروژه ناتمام ماند. کارهای ساختمانی تا موقع آغاز تجاوز روسها حدود ۳۰ درصد پیش رفته بود، که متأسفانه در طول سالیان جنگ مورد تخریب و چور و چپاول قرار گرفت.

اهداف پروژه : اعمار بند کمالخان دو هدف را دنبال میکرد، یکی تامین آبیاری و تولید برق برای منطقه و دیگر جلوگیری از آبخیزی ها. جهت تکمیل آن میبایست دو دیوار به طول ۱۷۰۰ متر و ارتفاع ۱۲ اعمار می گردید. زیرا با آبخیزی ها، ساحات زراعتی زیر آب شده و خساره مند می شوند و از طرف دیگر این آب خیزی ها باعث تخریب و لغزش سواحل دریای هلمند نیز میگردد. تخریب روستاها و شهر های زرنج، کنگ و غیره به صورت کلی مدتش و خانه برانداز است. زیرا خانه های مسکونی درین مناطق از گل ساخته شده و توان مقاومت در برابر آب را ندارند. در سالهای سیلابی بیش از صد هزار هکتار زمین در جوار منطقه خوابگاه و پایانتز از آن صدمه می بیند (یک، ص ۱۹۳). به همین دلیل اهداف اساسی این پروژه در قدم اول جلوگیری از آبخیزی، تنظیم آب و استفاده اعظمی از منابع نادر آب بود. همچنان در مواقع آب خیزی بایست آب اضافی توسط دو کانال طبیعی جناحی (رود بیابان و رود خشک) به جهیل گودزره هدایت می یافت. به کمک کانالهای چپ و راست بند کمال خان امکان انکشاف و اصلاح ۷۵ هزار هکتار زمین در مرحله اول میسر است (یک، ص ۱۹۳) و از جانب دیگر امکانات آبیاری مناطق پایین دریای هلمند نیز موجود است. به مقصد جلوگیری از سیلاب و رهنمایی آن به گود زره قرار بود در پلان هفت ساله زمان داوود خان یک بند خاکی در حصه قلعه افضل خان اعمار و ساحه اطراف این ناحیه از طریق بند تحفظی بین بند کمال خان و قلعه افضل خان حفاظه گردد. احداث پر چابۀ آب و آخذۀ کانال های راست و چپ توأم با ساختمان دروازه های کنترول آب و سرکهای حفظ و مراقبت و احداث زاهیر ها در پلان هفت ساله پیش بینی شده بود (یک، ص ۱۹۳). هدف دیگر پروژه، آبیاری و استفاده از ۱۱۹۰۰۰ هکتار زمینهای موجوده و ۵۵۰۰۰ هکتار زمینهای بایر در ولایت نیمروز بود. در انکشاف بعدی قرار بود که ۲۱۰۰۰۰ هکتار زمین در چوکات این پروژه تحت آبیاری قرار گیرد.

تولید برق : به علاوه قرار بود که یک کارخانه تولید برق به ظرفیت ۹ میگاوات فی ساعت در منطقه قلعه افضل خان اعمار گردد، که بدین ترتیب اساسات زیر بنای صنعتی و تخریکی در منطقه به خصوص در شهر زرنج گذاشته می شد (از چند سال بدینسو شهر زرنج از برقی که از ایران خریداری می شود استفاده می کند). اضافه بر آن باید یک بند آبگردان با تمام واحد های تنظیم آب و جوی های خروج آن نیز با ظرفیت ۱۹۱۵ متر مکعب فی ثانیه اعمار گردد و همچنان قرار بود که یک کانال برای جلوگیری از آب خیزی کشیده شود که آبراه به جهیل گود زره هدایت نماید.

فوائد بند کمال خان : بند کمال خان دارای دو کانال بوده که به طرف شرق و غرب امتداد می یابند. کانال غربی زمینهای گود زره را آبیاری می کند. کانالهای شرقی (زرکن و زورکن) زمینهای مناطق قلعه فتح، شهر غلغله، امیران، مناطق غربی چخانسور و شرق ولسوالی کنگ را آب می دهد. این کانال از طرف شرق به شمال الی لاش جوین در ولایت فراه امتداد دارد، که می تواند زمینهای زراعتی را تا ولسوالی لاش جوین آبیاری نماید. کانال هایی که به گود زره می پیوندند، می توانند برای ثبات، استحکام و صیانت محیط زیست و تربیه و پرورش ماهی مورد استفاده قرار گیرند.

از مدتها به این طرف (۲۰۰۲) به جهیل گود زره آب نرسیده، ولی از آب آن استفاده بسیار شده که این عمل باعث شوری آن گردیده است. در صورتی که آب تازه به گودزره بریزد، آب آن شیرین می شود (نگارنده : در سالهای اخیر که بارندگی صورت گرفته گودزره دوباره از آب پر شده). از طرف دیگر امکانات ساختن کانال دیگر از بند کمال خان به طرف کشور همجوار ایران برای آبیاری و آبرسانی مناطق زابل موجود است. علاوه بر آن برای استفاده مستقیم از آب دریای هلمند می توان نهر لشکری را تا بند کمال خان امتداد بخشید، که این امر امکانات آبیاری زمینهای اضافی دیگری را مساعد ساخته و مناطق نواحی لاش جوین را نیز از نعمت آب برخوردار می سازد. قرار پلان های انکشافی قبلی باید، کانال دیگری به امتداد کانال لشکری نیز اعمار گردد، که این کانال پسانتر به سه کانال کوچکتر انشعاب نموده و مناطق کنگ، ابراهیم آباد و سیخسر را آبیاری نماید. همچنان انتظار می رفت که کانال کنگ برای آبیاری مناطق کورکی به آنطرف امتداد و به کانال صمدی وصل گردد. اعمار یک بند دیگری در منطقه قریه حاجی محمد افضل خان برای تدارک آب مناطق تره خون (در جنوب و جنوب غرب) یک امر حتمی و لازمیست، چه برای آبیاری در آنجا ضرورت به چندین کانال می باشد.

تدابیر ساختمانی بند کمال خان : مطالعات علمی و تخریکی با نقشه های پروژه وجود دارد و نیاز به بررسی جدید نمی باشد، ولی ضرورت تجدید آنها موجود است. تهداب های بند و منازل مسکونی برای عمه و فعله آن تا هنوز موجود است. با اعمار بند کمال خان حتی می توان مشکلات آب شهر زابل را نیز، که به آن طرف مرز در جانب ایران قرار دارد، رفع نمود. مصارف ساختمان آن به ۴۰ میلیون دالر سهمیه از خارج و ۳۰ میلیارد افغانی (آنموقع حدود ۱۵ میلیون دالر) از بودجه دولت افغانستان پیشنهاد شده بود.

۳ - بند آبگردان خوابگاه :

در پلان هفت ساله (یک، ص ۱۹۳) اعمار بند آبگردان بالای دریای هلمند در ناحیه خوابگاه پیش بینی گردیده بود که زمین آبیاری ۴۸ هزار هکتار زمین واقع این قسمت را فراهم می ساخت. ساحه مذکور شامل ۱۳ هزار هکتار زمین سابق و ۳۵ هزار هکتار زمین جدید می باشد. مشخصات بند آبگردان و کانال اساسی که به طول ۱۱۵ کیلو متر به مقصد آبیاری نواحی زیارت شاهی و شهرآباد احداث می گردید در پروژه مفصل تخریکی در نظر گرفته شده بود. قرار بود که این پروژه در بین سالهای ۱۳۵۵ - ۱۳۵۹ هجری شمسی تطبیق گردد که نگرید.

۴ - بند آبگردان سیخسر :

در پلان هفت ساله (یک، ص ۱۹۳) در نظر بود که این بند آبگردان در جوار شهر زرنج در نزدیکی سربند های عنعنه بی رفیق خان و مارونکی ها بالای دریای هلمند در موضع نادعلی اعمار گردد. هدف این پروژه تنظیم آب در ساحه ۲۵۶۰۰ هکتار زمین موجود واقع در شمال شیله چرخ و قلعه کنگ می باشد که قرار بود بین سالهای ۱۳۵۵ - ۱۳۵۹ هجری شمسی به پایه تکمیل برسد. این پروژه شامل اعمار بند آبگردان و ساختمانهای آخذ آب در کانال اساسی و انکشاف و اصلاح کانال سابق سیخسر و احداث زاهبر ها و ساختمانهای هایدروتخریک می شد.

۵ - استحصال نمک های معدنی و کود کیمیاوی :

مراحل کار مقدماتی استحصال املاح معدنی و کود کیمیاوی در جدول ۵ درج گردیده.

شماره	مرحله
۱	طرح پلان/آمادگی
۲	تفتیش و کنترل
۳	اعمار حوض تبخیر
۴	دستگاه تصفیه آب شور
۵	عیار کردن دستگاه

جدول ۵ : مراحل کار استحصال املاح معدنی و کود کیمیاوی

آب های زیر زمینی نمکی دارای عناصر مختلف کیمیاوی اند که می توان با مصرف کم انرژی از این نمک ها استفاده کرد. در حوزه های فرو افتاده نيمروز که آبهای زیر زمینی به روی زمین صعود می کنند، تحت عوارض جوی تبخیر نموده غلظت آنها بالا می رود. این آبهای نمکی غلیظ می توانند به حوض های متناوب هدایت شوند که در نتیجه املاح مختلف در حوض های مذکور از شدت تبخیر تبلور یافته، قابل استحصال میگردند. هدایت آبهای نمکی غلیظ به حوض های مختلف با مصارف خیلی کم تخنیکي صورت می گیرد. در نتیجه استحصال نمک به طریقه خیلی ساده و بدون وابستگی تخنیکي و ضرورت به وسایل یدکی می تواند عملی گردد. ازین حوض ها سرانجام با کمک ماشینها، نمک ها استحصال و بار گیری شده و جداگانه ذخیره و گدام می شوند.

اکنون برای تمام انواع املاح بازار فروش وجود ندارد. ولی با اعمار سرکها و رشد ضرورت مواد خام در افغانستان و کشور های همسایه، این بازار به زودی گشوده می شود. املاح کالیوم (پتاسیم) می تواند در یک کار گاه آماده سازی پاکسازی شده و در پروسه غنی سازی به کود کیمیاوی تبدیل شود.

با احیای نهر لشکری و زراعت منطقه، ضرورت میرم برای کود کیمیاوی احساس می گردد. زیرا زمینهای زراعتی که در سالیان متوالی کشت نشده اند به املاح معدنی من جمله کود کیمیاوی کالیوم (پتاسیم) نیازمند اند. قیمت فروش کود کیمیاوی در بازارهای منطقه یی مربوط به قیمت ترانسپورت آن می گردد. زیرا استحصال این نوع کود کیمیاوی در مناطق مشابه نیز ممکن است. در نوار سرحدی آنطرف مرز در ایران همین اکنون پروژه کود کیمیاوی کالیوم (پتاسیم) در فعالیت است. به همین مناسبت تخمین مصرف این پروژه را به حد وسطی در نظر گرفته ایم تا پروژه در بازار بین المللی رقابت کرده بتواند. اعمار این پروژه و تخمین مصارف دقیق آن مستلزم تحلیل و بازاریابی کود کیمیاوی و اوضاع و احوال مربوط به آنست که تا هنوز از طرف کسی صورت نگرفته است.

۶ - بند آبگردان مناطق خاشرود و چخانسور :

در مناطق خاشرود بارندگی خیلی کم بوده، ولی در سالهایکه برف و باران زیاد ببارد، البته آب وافر به دریا می ریزد که متأسفانه بدون استفاده به هدر می رود. گاهگاهی اتفاق میافتد که آب به نیروی اعظمی تمام قریه جات سواحل دریا را تخریب نماید. بنا بر این باید کوشش به عمل آید که جای مناسبی برای اعمار یک بند پیدا و انتخاب گردد. اعمار کانالهای اضافی نسبت موجودیت کانال های قدیمی ضرور نمی باشد. زیرا نشیب و سرکوب دریا آنقدر زیاد است که تمام زمینهای نواحی اطراف آنرا به سهولت آبیاری می تواند. درینجا تنها مساله تقسیم آب و سازماندهی آن و همچنان امکانات تولید برق نیز مطرح می باشد.

۷ - پل ابریشم و سرک زرنج دلارام :

خط موصلاتی حوزه جنوب غرب افغانستان با ایران از مدت های طولانی مورد بحث قرار داشت که افغانستان را به خلیج فارس وصل کند. بعد از سقوط طالبان دولت ایران طرح اعمار پل ابریشم را به دولت افغانستان ارائه کرد. برای تعیین محل اعمار پل، وزیر خارجه آن وقت دولت افغانستان در تابستان ۲۰۰۲ یک هیئت سه نفری را از وزارت فواید عامه، وزارت خارجه و ریاست کارتو گرافی تعیین کرده و به زرنج فرستاده بود که ورود آنها به زرنج مصادف بود با دو سه روز بعد از موصلت ما در این شهر. از گفتنی های زیاد در این رابطه فقط به یکی دو مورد اکتفا می گردد که خالی از دلچسپی نیست. قابل یادآوریست که این هیئت همه انسانهای بسیار وطن دوست، پاک و دلسوز بودند ولی از اجرای مکلفیتی که به دوش شان گذاشته شده بود به دور قرار داشتند. آنها نه به نقشه می فهمیدند و نه در ساحه موقعیت خود را تعیین می توانستند. خطر آنکه خود را در آن بیابانهای بزرگ و سوزان گم کنند و از گرمی تلف شوند خیلی زیاد بود. هیئت مذکور که نه نقشه ساحه و نه کروکی محل و نه هم اسباب لازم را در اختیار داشتند، در سه روز اول در مهمانخانه ولایت استراحت بودند. این مساله برای ما سوال بر انگیز بود که چرا هیئت به کار خود آغاز نمی کند. سر انجام یکی از آنها به نگارنده نزدیک شده با احتیاط فراوان گفت که آنها

هیچ کاری را کرده نمی توانند و طالب کمک گردید. ما خوشبختانه چون نقشه های دقیق در مقیاس های مختلف داشتیم و فاصله سنج و سیستم جی پی اس و سایر آلات کار را در اختیار گرفته بودیم به خواست او پاسخ مثبت دادیم و یکی دو نفر از گروه پروژه را در اختیار هیئت گذاشتیم (تصاویر ۴ و ۵).

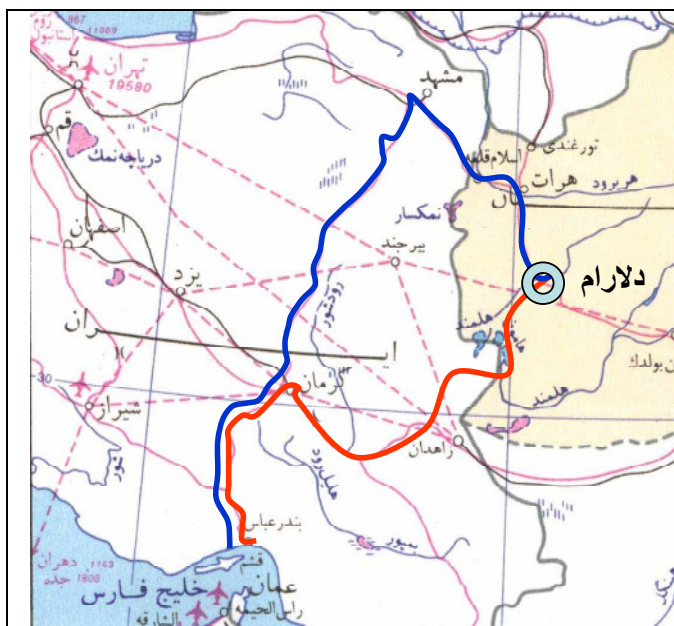


تصویر ۵ : هیئت اعزامی وزارت خارجه با یک عضو تیم پروژه (از طرف راست نفر دوم) و یک عسکر پوسته سرحدی در بستر دریای هلمند. تابستان ۲۰۰۲ م.



تصویر ۴ : هیئت اعزامی وزارت خارجه با نگارنده (در وسط) و یک عسکر پوسته سرحدی در کنار دریای هلمند. تابستان ۲۰۰۲ م.

گذشته از کار در ساحه، آنها را در تهیه راپور به وزرات خارجه نیز کمک نمودیم. تاکید ما در آن بود که پل در جای مناسبی که نشانی کرده بودیم یعنی در جایی که هلمند در خاک افغانستان جریان دارد، تعمیر گردد. به هر حال از سرنوشت آن راپور اطلاعی در دست نیست، آنچه آشکار گردید اینست که ایرانیها پل را در همان محل که خودشان می خواستند آباد کردند. کار پل ابریشم بالای دریای هلمند دو سال قبل به انجام رسیده و به تعقیب آن کار سروی و اعمار سرک دلارام زرنج روی دست گرفته شد. قرار معلوم که پول این پروژه را هند می پردازد. از اینکه با اعمار این سرک وابستگی افغانستان به پاکستان در خصوص ترانزیت مال التجاره افغانی بسیار کاهش می یابد، پاکستان کوشش می کند مانع اعمار این سرک گردد. از همین جهت است که تا حال چند انجنیر و کارمند ساختمانی یک مؤسسه هندی را در نیمروز توسط طالبان کشته اند. اگر سرک دلارام زرنج آباد گردد راه تجارتي افغانستان از طریق نیمروز در مقایسه با راه هرات و مشهد تا خلیج فارس، حدود ۱۰۰۰ کیلو متر کوتاه می گردد. (نقشه ۱) بنا بر آن اعمار این سرک تقویت اقتصاد ملی افغانستان را موجب شده و امکانات انکشاف نیمروز در بسیاری سکتور ها مساعد می گردد، حتا این ترقی اقتصادی نیمروز شاید هرات را از رونق تجارتي بیندازد (نقشه ۱).



نقشه ۱ : راه ترانزیت مال التجاره افغانی به بندر عباس (سه) :

الف : از طریق دلارام - هرات - مشهد تا بندر عباس (خط آبی)

ب : از طریق دلارام - زرنج - زاهدان تا بندر عباس (خط سرخ)

خطوط مذکور به صورت تقریبی ترسیم شده اند.

۸ - تذکر تیم پروژه :

این تحقیقات علمی و تخنیکی را متخصصان فنی افغانی و المانی (تصاویر ۶ تا ۱۰) که فهم و دانش تخصصی در مورد کار این پروژه دارند با همکاری همه جانبه تهیه و ترتیب نموده اند. آنها آماده هر نوع کمک تخنیکی و فنی با سایر کارمندان برای برآورده شدن اهداف این پروژه می باشند. تحقیقات و محاسبات تخمینی تشریح شده در بالا را نمی توان به عنوان یک ماستر پلان برای انکشاف ولایت نیمروز ارزیابی کرد. معهدا بخشهای مختلف پروژه های جداگانه که در بالا ذکری از آنها رفت، سنگ تهاب انکشاف متداوم این ولایت را می گذارند.



تصاویر ۶ - ۱۰ : دوستان المانی در سفر افغانستان که تحت شرایط دشوار و بدون اجرت زحمت کشیدند. زرنج، تابستان ۲۰۰۲ م.

۹ - پایان سخن :

قرار احصایه پلان هفت ساله (یک، ص ۱۸۷) در وادی هلمند و نیمروز حدود ۵۱۸ هزار هکتار (معادل دو میلیون و پنجمصد و نود هزار جریب) زمین زراعتی مساعد جهت کشت و زراعت موجود است. تا قبل از تجاوز روسها بخش های کوچک این زمین ها، در حالی که امکانات وسیع استفاده از خاک آنها موجود بود و اکنون هم می باشد، مورد استفاده قرار می گرفتند. البته پیشرفت های علمی و تخنیک مدرن، کار استفاده از این زمین ها را مساعد تر گردانیده است. معضله اساسی در این رابطه کمبود آب نبوده بلکه مسأله تنظیم آنست به خصوص که سالانه از مجموع ساحه افغانستان، بیشتر از ۶۰ میلیارد متر مکعب آب بیهوده خارج می شود. با تامین و تنظیم شبکه آبیاری امکانات احیای مجدد سیستان و دیگر ولایات وجود دارد. قرار برآورد یک محقق المانی [۳] احیای مجدد سیستان سالانه به ۳ تا ۳،۵ میلیارد متر مکعب آب نیاز دارد. برای حل این مشکل لازم است ضرورت آب در قسمت وسطی دریای هلمند به خصوص ضرورت و توسعه پروژه وادی هلمند و ارغنداب و مقدار آبی که در قرارداد آب هلمند با ایران تضمین گردیده، در نظر گرفته شوند.

در این رابطه دو مسأله دیگر در خور اهمیت اند : یکی این که یک مقدار آب باید پیوسته، بویژه در زمانهایی که زراعت کمتر صورت می گیرد، به آبهای هامون هلمند برسد تا آن محیط زیبای زیست که زمینه حیات نباتات و حیوانات نادر بی شماری را آماده کرده، از بین نرود. از جانب دیگر باید توجه شود که کاسه هامون از آب خالی نگردد تا مواد رسوبی و ریگی را که دریا در بستر هامون منتقل می سازد و منبع عمده ریگ را تشکیل می دهد خشک نماند و توسط باد به نواحی دیگر منتقل نگردد (دو، ص ۲۱۶). دوم اینکه در آن طرف مرز نیز فقیرترین مردم ایران سکنا دارند که نباید با کمبود آب مواجه گردند. با این هم این مشکل به سادگی حل میگردد به شرط اینکه

آب خاشرود که دارای کمیت و کیفیت خوب است ذخیره شود [۳] و از آب هلمند استفاده اعظمی به عمل نیاید بلکه تکیه به جلو به مصرف رسانیده شود. تا از یک طرف خلق های دو طرف مرز در فوز و فلاح زندگی کنند و از جانب دیگر به منازعات آب هلمند پایان داده شود. بدین ترتیب احیای مجدد سیستان در هم آهنگی استفاده از آب هلمند و خاشرود به صورت قدم به قدم ممکن است که پیوسته توسعه داده شود. این محقق المانی [۳] را عقیده بر این است که با احیای مجدد سیستان که مصارف گزاف را ایجاب نمی کند می توان بر ضد گرسنگی در این کشور فقیر موفقانه مبارزه کرد و حتی با اصلاح ساختار اجتماعی این منطقه، مردم می توانند به آرامی و سعادت و پیشرفت اقتصادی بیشتر نایل آیند. او می افزاید که در اوضاع و احوال کنونی (۱۹۷۵) اعمار و انکشاف پروژه های زراعت و آبیاری خط فاصل میان اغنیا و فقرا را جلی تر خواهد کرد، زیرا خانها و زورمندان این مناطق که همه کاره و یکه تاز اقتصادی و مذهبی اند، همه چیز را در اختیار دارند و مردم عوام همه رنجهای زندگی را به تنهایی می کشند. این طرز دید محقق المانی را یک محقق افغان (دو، ص ۲۱۵) چنین تایید می کند که: « اکثریت بزرگران این منطقه که در نتیجه عدم برابری اجتماعی و اقتصادی و بهره گشی بی حد زیاد رنج کشیده و از کار زراعت بیزار گردیده اند، به صورت موسمی در مناطق دیگر کار می کنند. پاک کردن کانال های آبیاری بر دوش بزرگران گذاشته شده است. یگانه راه علاج این مشکل تطبیق پروگرام اصلاحات بنیادی اراضی و پیدا نمودن زمینه کار به ساکنان این حوزه میباشد.»

با در نظر داشت مطالب بالا و با ایجاد سد های اشجار و غرس درختان به منظور محافظت مزارع زراعتی از ضرر باد و با اجرای اصلاحات در امور زراعت و آبیاری، خدمات اجتماعی و کمک اقتصادی به باشندگان منطقه امکان آن موجود است که سیستان افغانی بار دیگر به یکی از غنی ترین مناطق از نظر تولیدات زراعتی تبدیل گردد. در این رابطه طرح و تطبیق هر پروژه انکشافی باید هم آهنگ با طرح عمومی انکشاف اقتصادی نیمروز به خصوص پروژه هائی که در فوق از آنها نام برده شد در نظر گرفته شود. طرح و تطبیق یکی دو پروژه به تنهایی مشکل مردم را حل نمی نماید. به تعویق انداختن طرح احیای مجدد سیستان نقایص عظیمی در قبال دارد که اقتصاد ملی ما را به شدت متضرر میسازد، زیرا زمین های خوب زراعتی با گذشت زمان به کلی از بین میروند و آنگاه تطبیق چنین برنامه نه تنها مصارف گزاف بکار دارد و چه بسا که ناممکن گرد.

در پایان باید متذکر شوم که پیش شرط تحقق این آرزوی دیرین مردم، موجودیت یک دولت ملی است که به مشکلات آنها توجه کند. دولت دست نشانده موجود در فکر مردم نبوده و به پروسه دشت شدن مناطق زراعتی نیمروز توجه نداشته و نظاره گر طوفان های مدهش باد و هجوم ریگ و فقر و مسکنت مردم است. امید بر آنست که آرزوی درخشان آزادی و سیپده عدم وابستگی که اکنون در افق کشور جلوه می کنند به زودی به ثمر برسند تا داعیه آبادانی کشور در سایه یک دولت ملی آغاز گردد و باشندگان میهن بیشتر از این عذاب گرسنگی و زجر تشنگی را نکشند.

۱۰ - ماخذ ها :

۱،۱۰ دری

(یک) : وزارت پلان جمهوری افغانستان : پلان هفت ساله انکشاف اقتصادی و اجتماعی افغانستان، ۱۳۵۵ - ۱۳۶۱، جلد اول، ۱۳۵۵، کابل.

(دو) : غلام رحمان امیری : تصویری از زندگی مردم بلوچ در نیمروز و هلمند سفلی قبل از انقلاب ثور، ۱۳۶۵ هجری، کابل.

(سه) : جیو کارت : اتلس جمهوری دیموکراتیک افغانستان. اداره سروی و کارتوگرافی پولند با همکاری ریاست کارتوگرافی افغانستان، ۱۹۸۴، وارسا.

۲،۱۰ المانی و انگلیسی

- [۱] United Nations Environmental Programme (۲۰۰۲): Afghanistan Post-Conflict Environmental Assessment. Switzerland.
- [۲] Bromand, M., Hügel, W.A., Roostai, A. H., Seiffe, E. (۲۰۰۲): Feasibility Study "Rehabilitation of Agricultural Structures in Nimruz – Irrigation and Potable Water Supply for the Destroyed Villages in the South-Western Province of Afghanistan". Kabul.
- [۳] Radermacher, H. (۱۹۷۵). Historische Bewässerungssysteme in Afghanistan-Siestan; Gründe für ihren Verfall und Möglichkeiten ihrer Reaktivierung. Zeitschrift für Kulturtechnik und Flurbereinigung ۱۶, Paul Parey, Berlin, ۶۵-۷۷.

در پایان این مبحث به منظور حسن ختام سرگذشتی را بیان می‌کنم که علاقه مندی نگارنده را به آبادانی نیمروز به مثابه قطعه ای از پیکر افغانستان بیشتر می‌گرداند. امیدوارم با پیشرفت اقتصادی سراسر کشور اوضاع اجتماعی نیمروزیان هم بهبود یابد و این گوشه کشور از قید و شر طوفانهای مدهش نجات پیدا کند. و اینک آن سرگذشتی که در ذهن و ضمیر نگارنده حک شده است :

سرگذشت در دشت :

گرمای شدید تابستان ۲۰۰۲ م در ریگستان های نیمروز بیداد می‌کرد و از هر جنبه ای یاری حرکت را می‌گرفت. تو گویی از زمین و از آسمان آتش می‌بارید و بال و پر هر پرنده ای را که به سایه ای نمی‌رسید، می‌سوخت. ساعت یازده و نیم بجه روز بود و گرما سنج ۵۷ درجه سانتی‌گراد را نشان می‌داد و باد آتشی به آهستگی می‌وزید چنانکه وسایل الکترونیکی را از کار انداخته و تاب و طاقت را از ما ربوده بود. در خلال این احوال غریبی از جمعی از کارگران که در ساحه مصروف کار بودند برخاست که یکی از مهمانان المانی در اثر گرمی از خود رفته و حالش زار گریه است. در حالیکه از این بابت نگرانی بر نگارنده مستولی شده بود دوان دوان خود را بدانجا رسانیده دیدم که همکار المانی ام از حال رفته و دلهره ای در جان کارگران انداخته است. و این در حالی بود که کمپ بود و باش ما ۵۰ کیلو متر از این محل فاصله داشت که طی این مسافه در آن دشت های ریگی با آنهمه بلندی و پستی و چتری و چتری دو نیم ساعت وقت را در بر می‌گرفت. از کارگران پرسیدم که آیا در این نزدیکی ها کدام قریه و دهکده ای وجود دارد. همه جواب دادند که نه! تنها یک نفر از اهالی منطقه گفت که درین نزدیکی ها دو خانواده زندگی دارند که بهتر است آنجا برویم. بنا بر آن همه راهی آن جایگاه گردیدیم که نیم ساعت به موتر از محل حادثه دور بود. چون بدانجا رسیدیم یکی دو کلبه محقر گلی که بیشتر از نیم آنها در زیر زمین قرار گرفته بودند، وجود داشت. حویلی این کلبه که احاطه ای نداشت در واقع شامل همه دشت های جنوب غرب کشور می‌شد. در فاصله چند قدمی کلبه چند رأس بز و بزغاله و یکی دو رأس گاو و خر از شدت گرمی هیجان داشتند و چندین رأس مرغ در تلاش دانه گاه در لانه و زمانی در کلبه و کاشانه سر تا و سر بالا در جست و جوی دانه بودند. زن سرسپیدی با کالای ژنده و سر و موی ژولیده از کاه و بته به دیگدانی آتش افروخته و در آفتاب مطراق در حالیکه دو طفل کوچکی با سر و پای برهنه و لباس های چرکین به آن زن سرسپید چسبیده بودند، مصروف پختن غذا بود. همینکه ما در چند قدمی کلبه رسیدیم مرد کهن سالی که به قول خودش سن او بالاتر از ۹۰ سال بود با لباس های سفید ولی چرکین و محاسن پهن ولی سیمین از زیر زمینی برون آمده در حالیکه خود را به عصای کج و معوجش تکیه می‌داد؛ از ما جویای حادثه گردید. همینکه موضوع برایش روشن شد، ما را به کلبه رهنمایی کرده و گفت که هر چه زودتر داخل زیر زمینی شویم که آنجا سرد تر است. به راستی هم در زیر زمینی درجه گرمی فقط ۴۵ درجه سانتی‌گرید بود، در حالیکه بیرون از کلبه به ۵۸ تا ۶۰ درجه میرسید. در زیر زمینی دو خالیگاه به جای کلکینچه وجود داشت که موجب جریان هوا و باد خفیفی می‌گردید و این باد خفیف شدت گرمی را بر ما تا حدودی قابل تحمل می‌ساخت. همکار از خود رفته المانی را در زیر همین روزنه جا به جا کرده و به سر و رویش آب می‌زدیم که حالش بهتر شود. در این گیر و دار آن مرد کهنسال بزغاله ای را حلال کرده و به آن زن سر سفید هدایت داده بود تا هر چه زودتر شوربایی ببزد. آنگاه پیر مرد وارد زیر زمینی شده از نگارنده جویای آمدن ما به آن منطقه دور افتاده شد. وقتی او واقف گردید که ما به خاطر احیای مجدد نهر لشکری و حل مشکل آب اهالی آنجا از المان آمده ایم از خوشحالی زیاد آب از چشمانش جاری شده گفت که : « بچم ! شما را امان الله خان روان کرده که با ما کمک کنید؟ » من که متوجه شدم که پیر مرد از حوادث و اتفاقات بیشتر از نیم قرن دور مانده، نخواستم نا امیدش بسازم، گفتم بلی پدر جان. در این وهله یادم از فرموده شاعری آمد که :

ظالم بمرد و قاعده زشت از او بماند عادل برفت و نام نکو اختیار کرد

آنگاه پیر مرد سر صحبت را باز کرده و از دیدگیها و شنیدگیهای دوره امانی صحبت فراوان کرده، اشک می‌ریخت و در حسرت می‌سوخت. این اشک با اشکهای اولی تفاوت بسیار داشت. قطره های اولی از خوشحالی آن بود که در نهری که آب رفته بار دیگر آب جاری می‌گردد و انسان و حیوان و نبات از برکت آن فیض می‌بینند من جمله پیر مرد و خانواده اش. ولی قطرات اشک جویه دوم از درد جانگدازی بر می‌خاست که سینه پیر مرد را در هجران شاه امان الله خان و دوران پر فیض او چون خنجر تیزی زخم کاری زده بود. پیر مرد که از سوز دل اشک نقره فام میریخت، آن مروارید های گهر بار را در گوشه ای از شف دستارش جا به جا می‌ساخت و آه پر سوزی در حسرت گذشته از سینه شکسته به بیرون می‌کشید. پیر مرد در مقام تأمل و تانی گرم صحبت بود که در همین احوال سفره دراز در صحن زیر زمینی پهن شد و نان های گرم به روی سفره تقسیم گردید. هنوز ما از جا نجسته بودیم که رمه مرغان آن کلبه که از گرسنگی چون انسانها عذاب می‌کشیدند بر سفره حمله بردند. پیر مرد ما را متوجه ساخت که مواظب باشیم. آنگاه به یکی از نواسه هایش وظیفه داد تا مرغان را از کلبه بیرون کند، کاری که به مشکل انجام میشد، زیرا مرغان از هر زمان و مکان ممکن استفاده کرده دستبردی به دسترخوان می‌زدند. متعاقب آن شوربای لذیذی

آورده شد که لذت آن عذاب گرمای تابستان را تسکین می بخشید. بعد از صرف نان همه برای ساعتی به خواب رفتند. تا این دم دوست المانی اندکی به حال آمده بود. چون خاطر ما جمع گردید همه راهی محل شدیم تا به کار خود ادامه دهیم. اما دوست المانی را تا عصر همان روز در کلبه پیر مرد گذاشتیم تا پیر مرد از او مواظبت نماید. در ساعات پایان روز همکار المانی به کلی سر حال شده بود. وقتی او را از نزد پیر مرد می گرفتم، به رسم متداول اروپا، یک مشت پول را در ازای خدمات آن پیر مرد به او پیشکش نمودم. ولی این به مثابه تیر زهر آلودی بود که ناآگاهانه و غیر ارادی از این کمینه به قلب آن پیر مرد می نشست. چون متوجه این خطا شدم بلا درنگ از او معذرت خواستم. پیر مرد به بزرگواری که در شأنش بود مرا در دم ببخشید و گفت: «همینکه شما از آن جا های دور جهت کار به وطن می آید، مردانگی بزرگی می کنید و بالای ما حق خدمت دارید.» در پایان وقتی از او سؤال کردم که من برای او چه کرده می توانم، پیر مرد در جوابم گفت: «برای امان الله خان سلامهیم را برسان و از من به او بگو که به وطن بیاید که همه در انتظار اویند.» نگارنده که در بین واقعتی کشنده و حسرتی فریبنده افتیده بودم بار دیگر با تأیید خواهش او در دل پیر مرد تخمی از امید کاشتم، تخمی که مانند پروژه آبیاری نیمروز هیچگاهی به ثمر نمیرسید. درین میانه یادم از گفته عارفی آمد که نوشته بود که تاریخ جعل نمی شود. این سخن واقعت دارد چنانکه پیر مرد به یاد دوره ده ساله امانی اشک فراوان ریخت و از زمانه های طولانی بعد از وی حرفی به میان نیاورد. به گفته شاعر:

زنده جاوید گشت هر که نکو نام زیست کز عقبش ذکر خیر زنده کند نام را

این سرگذشت که در دشت رفت بار دگر نمودی از فرهنگ گهربار جامعه افغانی را به مثابه «مشت نمونه خروار» تداعی می کند. بر ماست که در صیانت از این ارزش های فرهنگی پیوسته بکوشیم و از گزند روزگار در امانش نگهداریم.

با محبت بسیار

پایان بخش سوم و پایان این رساله